

جواب مقاله

## میان پیغمبرها جر جیس ...

بقلم آقای دولت آبادی

در شمارهٔ نهم مجلهٔ آینده مقاله ای تحت عنوان فوق قرائت شد در انتقاد از شرح حال مختصری که نگارنده از قآنی نوشته بودم و در شمارهٔ هفتم همین مجله درج شده است چون تأثیری که مقالهٔ انتقادیه در داغ ارباب ذوق سلیم باید نماید نموده و محاکمه ای که بایستی میان این دو مقاله در محاکم وجدان بیغرضان از ارباب فضل و ادب بشود شده است دگر لازم نمیدانم کله بکلمه و یا جمله بجمله نظریات دفاعیه خود را میان نمایم فقط بجواب چند جمله از مندرجات مقالهٔ مزبور که صلاحیت جواب دادن دارد میپردازم. انتقاد اول آقای منتقد این است که من چرا در میان شعراء برای شرح حال نوشتن قآنی را اختیار کرده ام عجباً مگر من خواسته ام شرح حال قآنی را بنویسم که مورد این اعتراض گردیده ام مدیر مجلهٔ آینده عکسی منسوب بقآنی بدست آورده میخواستند در مجله طبع کنند از نگارنده تقاضا فرمودند شرح حال مختصری از قآنی بنویسم که ضمیمهٔ عکس مزبور بنمایند چنانکه در شماره ۹ در ذیل مقالهٔ انتقادیه مدیر محترم خود تصریح فرموده اند و بر فرض آنکه من خود بصرافت طبع بنجیال شرح حال نویسی یکی از شعراء افتاده و قآنی را انتخاب کرده باشم گناهی نکرده ام زیرا که قآنی شخص مجهول و غیر قابل اعتنائی نیست قآنی مشهورترین شعرای قرن نوزدهم ایران است قصیده های قآنی که در توحید الهی و مدح و منقبت پیشوایان دین مبین و در احساسات وطن خواهی و در اوصاف طبیعت سروده نه تنها ثبت دیوان شعرا است بلکه در لوح حافظه بسیاری از



ارباب ذوق و شوق ثبت و ضبط است و در مجالس و محافل خواننده میشود و در محاورات بگفته‌های او استشهاد مینمایند .

در معاصرین قآنی هستند اشخاصی که دقایق فکری و محسّنات اخلاقی آنها بر قآنی ترجیح دارد ولی در عین حال هزار يك شهرت و معروفیت قآنی را ندارند و دیوان شعر آنها اگر بزحمت طبع شده باشد بواسطه دوری افق فکری آنها با افکار عامه در دست مردم نیست بخلاف دیوان حکیم قآنی که در کتابخانه و یا خانه کمتر صاحب ذوقی است که يك نسخه اش یافت نشود بلکه در دهات دیده ام که اگر يك کتاب ادبی پیدا شود دیوان قآنی است و مردم بحق یا غیر حق اشعار او را دوست میدارند در این صورت اگر صاحب مجله خواسته باشد عکس چنین شخصی را نشر بدهد و یا اگر من بصرافت طبع فرضاً خواسته باشم شرح حال از او بنویسم چه جای اعتراض است و چرا میان پیغمبران جرجیس را اختیار کرده ام ؟

خوب من در نگارش شرح حال قآنی کی و کجا همه چیز قآنی را خوب دانسته ام چنانکه آقای منتقد در جمله اول از مقاله خود نسبت میدهند در صورتیکه خودشان در غیر واحد از مواقع مقاله انتقادیه تصریح می کنند که فلانی نواقص ادبی و اخلاقی قآنی را انکار ندارد بلی من خوب و بد قآنی هر دو را نوشته ام من فضائل قآنی را از روی تتبع در آثار و تفحص در احوالش ذکر کرده و اگر در شرح فضائل او دلیل و برهان وافی نیاورده ام بواسطه لزوم اختصار در مقاله بوده است که فقط فهرست مانند و با ادله اجبالی نگارش یافته و هر وقت خواهم شرح حال مبسوط او را بنویسم البته ادله مفصلش را بیان خواهم کرد .

من قآنی را شاعر بزرگ خوانده ام بواسطه جودت ذهن سرشاری طبع قدرت بیان تسلط در قافیه بردازی و لغت سازی او که نه تنها یگانه ناز

این میدان است بلکه خداوند این هنر است و قابل انکار نیست من اگر قآنی را غیر از فضل شاعری دارای فضائل دانسته ام از روی آثار او بوده است. و بدیهی است مراد من از آثار هنریات او نیست زیرا که هنریات کتاب قآنی و هنریات کتاب هیچ شاعر را هیچگاه نخوانده ام و نمیخوانم و امید وارم در سایه توسعه علم و تربیت این علفهای مرزه روز گلشن ادبیات ما ریشه کن بگردد

من در شرح حال قآنی افراط در مدیحه سرایی و مزاج گوئی او را نکوهش نموده فقط در این قسمت نحواسته ام بی انصافی کرده تمام بار گناه را بدوش شاعر بگذارم بلکه رسم و عادت هر زمان را که گاهی قبایح در يك عصر محسنات در عصر دیگر شمرده میشود و بالعکس دخالت داده خواسته ام بنویسم که آنچه امروز در موضوع اغراق گوئیهای شاعرانه زشت و ناپسند بنظر میآید در زمان قآنی زیبا و پسندیده بوده است خصوصاً از شعرای درباری که غیر از خوش آمد گوئی و تملق سرایی از آنها چیزی پذیرفته نمیشده است بلی تملق گوئیهای نظمی آن عهد مانند مزاج گوئیهای نثری زمان ما است که نامرغوب شمرده نمی شود با اینکه نامرغوب است و اگر مراد این است که از آثار ادبی قآنی چیزی که دلالت بر مراتب علمی و فضلی او بنهاید وجود ندارد من بعکس میدانم و تصور میکنم از روزنه های يك قسمت مهم از آثار ادبیش انواری ساطع است که میتوان آنها را دلیل فضل و کمال گوینده قرار داد و با قید اختصار در مقاله شرح حال جای تطویل مقال و اقامه دلیل و برهان تفصیلی نبوده است

اگر آقای منتقد در مقاله خود در صفحه ۶ و ۵ مجله سطر ۱۷ حاشیه رفته و تصور نموده اند لغت مزاج گوئی که در مقاله شرح حال استعمال شده و کنایه از خوش آمد گوئی است کلمه معمول میان عوام

میباشد و من اشتباهاً بجای مجاز گوئی استعمال نموده ام اگر آقای مننسد بسطر آخر از صفحه ۲۴۱ کتاب برهان قاطع طبع شده در سنه ۱۲۷۸ مراجعه میفرمودند اینجا حاشیه نمیرفتنند و نسبت اشتباه بمن نمیدادند در صورتیکه هیچ کس از اشتباه کردن مصون نیست ولی من اینجا اشتباه نکرده ام و بعلاوه لغت مجاز گوئی را که آقای منتقد آرا صحیح دانسته و استعمال کرده اند معنی خوش آمد گوئی من در جائی ندیده ام ممکن است ایشان دیده باشند در خانمه عرض میکنم اگر من در آخر مقاله شرح حال قآنی آرزو کرده باشم که کاش این شاعر زیر دست با آن جودت ذهن و طبع سرشار در این زمان میبود با انقلاب ادبی ما که شروع شده با میشود خدمت میکرد بمعانی میپرداخت بیش از آنکه بالفاظ پرداخته باشد حقایق را بیان مینمود پیش از آنکه مدح و ثنای نااهلان را گفته باشد نه خطائی کرده و نه بیک شاعر مرده هفتاد ساله اسائه ادبی کرده ام در هر صورت تصور میکنم من بد نکرده ام اگر از کسی خوبی گفته ام و بیدیهای او هم در زیر پرده های پوزش طلبی و معذرت خواهی اشاره نموده ام . بچی دولت آبادی

## نهایوند - دماوند

آقای مدیر :

در شماره ۷ مجله آینده شرحی بقلم آقای آقا سید احمد آقای تبریزی راجع بمعنی کلمات نهایوند و دماوند نگاشته شده بود نویسنده مقاله کلمات نها و دما را که بمعنی پیش و بعد است در نیمزیان ( لهجه ) شوشتری و دزفولی و در میان فارسی زبانان خوزستان معمول و ساری دیده اند ولی از قرار معلوم دایره انتشار این دو کلمه وسیع تر از آن